

هماوردی شیخ مفید و گفتمان‌های رقیب در تفضیل و تقدیم حضرت علی علیه السلام با تکیه بر مسئله افضلیت امام در کتاب الارشاد

محمد مهدی مرادی خلیج / دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز / Mm_mkhalaj@yahoo.com
مهری فاضلی / دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه شیراز / mehrifazeli1980@gmail.com
تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۲/۰۷ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳
(DOI): 10.22034/shistu.2021.529135.2038

چکیده

آراء رو به گسترش جریان‌های فکری رقیب و معاصر با شیخ مفید (م ۴۱۳) در خصوص افضلیت امام، بخشی از علل نگارش کتاب الارشاد توسط این متکلم برجسته امامی است. در آن زمان برخی از گفتمان‌ها با وجود باور به تفضیل حضرت علی علیه السلام، با صدور جواز امامت مفضول، بر مشروعیت خلافت متقدمان تأکید داشتند. برخی دیگر نیز با وجود همسویی با امامیه در لزوم افضلیت امام، با باور به انطباق فضیلت خلفا بر ترتیب تاریخی خلافت آنان، بر عدم تفضیل حضرت علی علیه السلام رأی می‌دادند. در چنین فضایی شیخ مفید کتاب مزبور را با تکیه بر آراء کلامی خویش در موضوع امامت، همچون اثبات لزوم افضلیت امام و تفضیل حضرت علی علیه السلام، بهره‌گیری از استنادات تاریخی و گاه آراء گفتمان‌های رقیب به رشته تحریر درآورد تا به حفظ هویت گفتمان امامی بپردازد. از این رو شناسایی شاخصه‌های متکی بر مؤلفه افضلیت امام، که شیخ مفید در این کتاب برای اثبات تفضیل و تقدیم علی علیه السلام و طرد مشروعیت خلافت متقدمان آورده دغدغه اصلی این پژوهش است. نتیجه این پژوهش «توصیفی - تحلیلی» نشان می‌دهد که شیخ مفید با بکارگیری شاخصه‌هایی همچون برجسته‌سازی جایگاه و اعمال امام علیه السلام، طرد جایگاه و اعمال متقدمان، به ویژه شیخین، و طرد عملکرد صحابه در انتخاب افضل یا اصلح، به این مهم پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: امامت بلافضل حضرت علی علیه السلام، افضلیت، امامیه، اهل سنت، معتزله، الارشاد.

مقدمه

امامت و مباحث مربوط به آن در طول تاریخ در صدر مسائلی بوده که ذهن اندیشمندان امامی را به خود مشغول داشته و سبب گردیده هر یک به طریقی عقل‌گرایانه و یا نص‌گرایانه به اثبات حقانیت گفتمان امامی در این عرصه بپردازند و در میدان رقابت‌های برون‌شیعی و حتی درون‌شیعی وارد شوند. شیخ مفید از جمله این بزرگان بود که با به‌کارگیری روشی عقل‌گرا و با بهره‌گیری از دادوستد تاریخ و کلام فعالیت گسترده در این زمینه داشت. در این بین، باور امامیه در خصوص امامت بلافضل حضرت علی علیه السلام و طرد مشروعیت خلافت متقدمان یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به امامت بوده که همواره از سوی گفتمان‌های رقیب امامیه - بجز جارودیه - انکار شده است و در زمان شیخ مفید نیز با گسترش منازعات مذهبی اهل حدیث با امامیه و تسلط کلامی برخی فرق مانند معتزله، بیش از پیش در معرض تهدید واقع شده بود. این مهم سبب نگارش‌های متعدد شیخ مفید و انعکاس آراء کلامی‌اش در مسائل مرتبط با امامت، همچون اثبات نص، عصمت، اعلیت و افضلیت برای امام گردید. این موضوع را می‌توان از عناوین برخی آثار او، همانند الافصاح فی امامة امیرالمؤمنین، اقسام مولی فی اللسان، رساله فی معنی المولی، مسأله فی النص علی امیرالمؤمنین سألها باقلانی، و رساله التفضیل امیرالمؤمنین علیه‌السلام دریافت.

در این بین، تألیف الارشاد در خصوص ائمه علیهم السلام - که بخش قابل توجهی از آن به تاریخ زندگانی نخستین امام اختصاص یافته - اقدامی هدفمند در این زمینه است؛ زیرا شیخ مفید با گزینش هوشمندانه آیات، روایات و اخبار در این اثر، آراء کلامی خود را در مسائل مربوط به امامت عامه و خاصه پیاده نموده و آراء دیگر گفتمان‌ها را طرد کرده است. اثبات تفضیل و تقدیم حضرت علی علیه السلام از طریق آراء کلامی ایشان در باب افضلیت امام یکی از این موضوعات است که در نگارش این کتاب مورد توجه شیخ مفید قرار گرفته است. از این‌رو، شناسایی شاخصه‌های متکی بر مؤلفه افضلیت امام، که در جهت اثبات امامت بلافضل حضرت علی علیه السلام و طرد مشروعیت خلافت متقدمان در متن الارشاد به کار رفته دغدغه اصلی این پژوهش است.

پاسخ‌گویی به این دغدغه بی‌گمان وابسته به فهم شرایط تاریخی و فکری زمانه شیخ مفید و تحلیل متن کتاب او می‌باشد. این مهم با وجود پژوهش‌های متعددی که در خصوص این کتاب انجام گرفته، مغفول مانده است. از آن میان می‌توان به تاریخ‌نگاری فقها و متکلمان شیعی در دوره آل‌بویه (شاکری، ۱۳۸۶)، شیخ‌مفید و تاریخ‌نگاری او در «الارشاد» (صفری فروشانی، ۱۳۸۶)، «الارشاد» و تاریخ‌نگاری زندگانی ائمه» (همو، ۱۳۸۷) و شیخ مفید و تاریخ‌نگاری اسلامی (خانجانی، ۱۳۹۲) اشاره کرد. در مقالاتی همانند «افضلیت امام از دیدگاه فرق کلامی» (نجف‌زاده، ۱۳۸۹)، «نقش مقبولیت امام در آموزه افضلیت امام» (فاریاب، ۱۳۹۵ - الف) و «معناشناسی و گستره افضلیت امام» (همو، ۱۳۹۵ - ب) نیز پاسخ به دغدغه‌های دیگری دنبال شده است. علاوه بر این، هیچ‌یک از اینان تحولات آراء کلامی فرق در باب افضلیت امام - خاصه معتزله که دغدغه اصلی شیخ بوده - را مد نظر نداشته و پژوهشی متن‌محور انجام نداده‌اند.

در ادامه و برای پاسخ به مسئله پژوهش، نخست زمانه شیخ و مجادلات کلامی گفتمان‌های گوناگون در مسئله افضلیت امام ترسیم شده است. سپس با تحلیل متن و استفاده از روش «توصیفی-تحلیلی»، شاخصه‌هایی که منظور شیخ را تأمین می‌کرده، شناسایی گردیده است.

زندگی و زمانه شیخ مفید

ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان حارثی عکبری بغدادی، مشهور به «شیخ مفید» و «ابن معلم»، سرآمد متکلمان امامیه در سده چهارم و پنجم به شمار می‌رود. او در سال ۳۳۶ هـ. ق. و به نقلی ۳۳۸ هـ. ق. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۴۰۲ / قس. طوسی، بی‌تا، ص ۳۶۵) در قریه سویقه ابن‌البصری عکبرا از توابع بغداد متولد شد. (حلی، ۱۴۱۷، ص ۶۴۸) تحصیل در بغداد، بهره‌مندی از بزرگ‌ترین فقها، محدثان و متکلمان روزگار (طوسی، ۱۴۱۳، ص ۱۶- ۱۸ / ابن‌شهر آشوب، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲-۱۱۳) همراه با نبوغ علمی، موجب گردید تا شیخ

ریاست امامیه بغداد را پس از درگذشت استاد خود شیخ صدوق (م ۳۸۱) تا پایان عمر (م ۴۱۳) در اختیار داشته باشد. (طوسی، بی‌تا، ص ۴۴۵) این ریاست در کنار حکمرانی خاندان بویه، که زمینه را برای ظهور اندیشه‌های شیعی فراهم نموده بودند، سبب گردید تا او تبیین و تثبیت مبانی اعتقادی امامیه را - بر اساس آراء کلامی خود - در رأس اقدامات خویش قرار دهد.

اثبات امامت بلافصل حضرت علی علیه السلام بر اساس افضلیت ایشان بر متقدمان و تبیین عدم مشروعیت خلافت خلفای نخست از این طریق، یکی از این اقدامات بود که در آن زمان بیش از پیش در معرض تهدید فرق مختلف قرار گرفته بود. این امر از یک سو در افزایش منازعات مذهبی و درگیری‌های اجتماعی گفتمان‌های رقیب، به ویژه حنابله با امامیه قابل مشاهده است و از سوی دیگر، در اقدامات و تلاش فرق مختلف برای ارائه نظام‌مند اندیشه امامت / خلافت بر اساس آموزه‌هایشان قابل پیگیری است؛ به گونه‌ای که در این زمان گفتمان‌های مختلف در خصوص امامت و مباحث مرتبط با آن دست به تولید معنا زدند و در جهت تثبیت و تبلیغ معنای منظور نظر خود و طرد معانی غیر، رساله‌ها و ردیه‌هایی تدوین کردند. از این رو، هر گفتمانی با صورت‌بندی مرزهای اعتقادی خود، در طرد و نفی اندیشه‌های سایر گفتمان‌ها می‌کوشید.

معتزله مهم‌ترین گفتمان رقیب امامیه در این عصر بود که از مدت‌ها قبل با ارائه آراء کلامی خود در مسائل مورد اختلاف، به ویژه امامت، به ابهام‌آفرینی در باورهای امامیه و توجیه عقلانی اندیشه‌های اهل سنت پرداخته بود.^۱ لیکن در زمان شیخ توجه و پاسخگویی به اقدامات این گروه از آن نظر که با تلاش رهبران خود و حمایت حاکمیت - آل بویه - به عنوان فرقه کلامی مسلط شناخته می‌شدند، (کرمر، ۱۳۷۵، ص ۱۱۷) حایز اهمیت بود؛ زیرا

۱. آثاری همچون العثمانیه جاحظ، الرد علی الرافضة الحشویه ضرار بن عمرو، الانتصار خیاط - که نگرش عثمانی را تبیین و به عقاید شیعه حمله کرد و به عقیده برخی فصل نوینی از درگیری شیعه و معتزله گشود - الرد علی الرافضة بشر بن معتمر، والنقض علی الامامه ابوالقاسم بلخی نشانی بر این موضوع است. (رک. ابن ندیم، بی‌تا، ص ۱۸۵ و ۲۱۷ / جعفریان، ۱۳۷۲، ص ۷۵ و ۸۹)

امکان تبدیل روایات آنان در باب امامت به کلان روایت و هضم و حذف روایت امامیه در این باب امری دور از انتظار نبود؛ چنان که در خصوص زیدیه - بجز جارودیه - چنین اتفاقی رخ داد.^۱ (مفید، ۱۴۱۳ ج، ص ۳۹-۴۲) توجه به فهرست برخی از آثار شیخ مفید، همچون الرد علی ابن اخشید فی الامامة، النقض علی بن عیسی الرمانی فی الامامة، و النقض علی صاحب بن عبّاد فی الامامة می‌تواند نشانی از این تهدید و موقعیت‌شناسی بزرگان امامیه در دفع آن باشد.^۲ (ر.ک. مکدموت، ۱۳۷۲، ص ۴۴ و ۵۹-۶۰)

اما تهدید دیگر از جانب اشاعره تازه نفس بود که با ارائه آراء کلامی خود در موضوع امامت، از جمله مبحث افضلیت امام و اندیشه تفضیل، سبب تقویت باورهای اهل سنت در مشروعیت خلافت متقدمان بر امام (علیه السلام) و حتی مشروعیت خلافت خلفای اموی و عباسی گردیدند (در خصوص این آراء، ر.ک. اشعری، ۱۳۹۷ ج، ۱، ص ۲۵۴-۲۵۸ / باقلانی، ۱۳۶۶ ق، ص ۱۸۳-۱۸۴) و از این‌روی، عقیده آنان مقبول اکثریت اهل سنت قرار گرفت. (جوینی، ۱۳۶۹ ق، ص ۸۲-۸۵)

اهل حدیث، به ویژه حنابله نیز، که پرجمعیت‌ترین گروه مقابل امامیه بغداد بودند، در این زمان، افزون بر تدوین اعتقادنامه‌ها و تبیین مرزبندی‌های اعتقادی خود، برای جلوگیری از هژمونیک شدن گفتمان تشیع بر افکار عمومی، بر منازعات مذهبی خود با امامیه افزودند. (ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۴، ص ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۱، ۱۷۳، ۲۱۵؛ ج ۱۵، ص ۱۲۰، ۱۲۵ / ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۸، ص ۶۲۸ / ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۱، ص ۲۷۳، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۴۳)

۱. در قرن چهارم نفوذ معتزله در شیعیان زیدی به اوج خود رسید. بسیاری از زیدیه، از جمله ابو عبدالله داعی نزد ابو عبدالله بصری شاگردی کردند. عبدالجبار نیز امامان زیدی را در جمع شاگردان خود داشت. (کرمر، ۱۳۷۵، ص ۱۱۹)

۲. بخش‌هایی از الفصول المختاره در مناظره با معتزله، از جمله علی بن عیسی (ر.ک. مفید، ۱۴۱۳ - ت، ص ۳۳۱-۳۳۷) و آثار شیخ مفید در رد علی بن عیسی الرمانی - استادش - ابن اخشید و صاحب بن عبّاد نشان‌دهنده یک گفتمان زنده در مسئله امامت در این عصر است.

علت را می‌توان واکنش به شرایط تاریخی این عصر، یعنی روی کار آمدن آل‌بویه، تقویت نسبی شیعیان و سیاست برخی از رهبران آنان در بیرون آوردن شیعیان از تقیه و علنی ساختن سب برخی صحابه (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۸، ص ۵۴۲-۵۴۳) دانست؛ صحابه‌ای که در نگاه اهل حدیث دارای جایگاه خاصی بودند و کسی را نمی‌رسید که درباره خطاهای آنان سخن بگوید. (ابن‌فراء، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰؛ ج ۲، ص ۱۸۲) این موضوع واکنش تند آنان، به ویژه حنابله را، که به زعم خود ادعای راست‌کیشی، نگهبانی از سنت و مبارزه با بدعت‌ها را داشتند، موجب گردید.

لازم به ذکر است که این گروه گرچه در ابتدای سلطه آل‌بویه و بر اثر سیاست‌های آنان در توازن قوا، هژمونی پیشین خود را در حاکمیت از دست دادند، لیکن به سبب فزونی جمعیت در بغداد و تندروی در برخورد با مخالفان، به خصوص شیعیان، تأثیر بسزایی در به دست گرفتن افکار عمومی جامعه داشتند. این سخن با نگاهی به نقش رهبران آنان^۱ در ایجاد آشوب‌های متعدد و سیاست‌های زمامداران بویهی در محدودیت شیعیان برای فرونشاندن این آشوب‌ها مشخص می‌گردد؛ سیاست‌هایی که با تبعید بزرگان امامیه همچون ابواحمد موسوی و شیخ مفید و منع موقت مراسم مذهبی آنان همراه گردید. (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۲۵۴، ۳۶۱؛ ج ۱۵، ص ۳۳، ۵۸، ۵۹ / ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۹، ص ۱۷۸، ۲۰۸ / ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۱۱، ص ۲۸۹، ۳۱۱، ۳۳۲، ۳۳۸) مسلم است که این محدودیت‌ها همراه با قدرت رو به کاهش آل‌بویه، که از زمان بهاء‌الدوله دیلمی و روی کار آمدن قادر عباسی (۳۸۱-۴۲۱ق) آغاز گردید، خود در تجدید قدرت اهل حدیث، کاهش قدرت شیعیان و به تبع آن تهدید باورهای آنان مؤثر بود. در چنین فضایی بود که حفظ هویت و موجودیت گفتمان امامیه، با تکیه بر ابعاد گوناگون امامت، در رأس اقدامات شیخ مفید قرار گرفت.^۲

۱. از رهبران اثرگذار حنابله در بغداد عصر شیخ مفید، ابن‌بطه عکبری (۳۸۷م) و ابن‌سمعون واعظ بغدادی (۳۸۷م) بودند.

۲. فهرست آثاری از شیخ مفید همچون *الرد علی الکرابیسی فی الامامه*، *الرد علی الخالدی فی الامامه* (مکدرموت، ۱۳۷۲، ص ۴۶) و مناظره وی با برخی از اصحاب حدیث، که در بخش‌هایی از *الفصول المختاره* بازتاب یافته، نشانی از تلاش‌های وی در این زمینه است.

اختلاف آراء کلامی شیخ با گفتمان‌های رقیب در اندیشه تفضیل حضرت علی علیه السلام
فارغ از فضای گفتمانی این عصر، بررسی آراء کلامی فرق در مسئله افضلیت امام و استحقاق خلافت خلفای چهارگانه بر اساس آن، موضوعی است که به سبب آگاهی از ریشه‌های اختلاف شیخ مفید و گروه‌های رقیب باید بدان توجه شود. این مهم، به ویژه با توجه به تحول آراء کلامی فرق در عصر مزبور و تمایل سردمداران آن به تغییر مواضع کلامی‌شان حایز اهمیت است؛ تغییراتی که در ایجاد دیدگاه غالب، یعنی مشروعیت خلافت متقدمان و طرد باور امامیه در امامت بلافصل حضرت علی علیه السلام شکل گرفته بود.
در باب اندیشه تفضیل در عصر شیخ مفید و پیش از آن، می‌توان امت را به چند گروه تقسیم نمود:

۱. گروهی که برای امام علی علیه السلام فضیلتی قایل نبودند و خلافت ایشان را به رسمیت نمی‌شناختند. سلف اصحاب حدیث بغداد و بصره - عثمانی مذهببان - چنین باوری می‌داشتند^۱ (ناشی اکبر، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸) در این دیدگاه، که تا اوایل قرن سوم عقیده غالب عامه از اهل سنت محسوب می‌شد، جایی برای خلیفه چهارم، حضرت علی علیه السلام، و فضیلت‌های ایشان نبود که البته با تلاش‌های احمدبن حنبل در مشروع دانستن خلافت حضرت علی علیه السلام و تبیین فضایل ایشان تعدیل گردید. (ابن حنبل، ۱۴۰۳، ص ۵۲۸-۷۲۷) در این بین برخی از معتزله، مانند ابوبکر اصم و جاحظ - که به طور رسمی یک معتزلی عثمانی مذهب بود و اثر او به نام العثمانیه شاهدهی بر این امر است - نیز چنین عقیده‌ای داشتند. (درباره آراء اصم، ر.ک. ناشی اکبر، ۱۳۸۶، ص ۲۱۳-۲۱۴) خوارج نیز که امام علی علیه السلام را - به سبب پذیرش حکمیت - از فضیلتی که داشت خارج ساختند، می‌توانند در این گروه قرار گیرند. (مفید، ۱۴۱۳ - ت، ص ۱۰۰)

۱. اصحاب حدیث بصره در اواخر قرن دوم اندکی تعدیل یافتند و چهار خلیفه را پذیرفتند. اصحاب حدیث بغداد در اوج دوره افراط خود تنها سه خلیفه را پذیرفتند. (ناشی اکبر، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸) مانع عمده بر سر راه تفکر این گروه در این زمان عقیده اصحاب حدیث کوفه بود که حضرت علی علیه السلام را بر عثمان مقدم می‌دانستند. (همان، ص ۲۱۷)

۲. گروه‌هایی که ابوبکر را در زمان رسول خدا ﷺ و پس از آن افضل می‌دانستند و به ترتیب افضلیت مطابق با ترتیب خلافت عقیده داشتند. باورمندان به این دیدگاه اکثریتی بودند شامل اصحاب حدیث - که پس از ابن‌حنبل به خلافت چهارگانه معتقد گردیدند - حشویه، مرجئه از اصحاب رأی، اشاعره و جماعتی از معتزله (قدمای بصریان).^۱ (ناشی اکبر، ۱۳۸۶، ص ۲۰۶، ۲۱۷-۲۱۹ / اشعری، ۱۴۰۰، ص ۴۵۸ / همو، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۲۵۷-۲۵۸ / مفید، ۱۴۱۳ - ت، ص ۱۰۰ / ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸-۱۳۸۳، ج ۱، ص ۷)

۳. آنان که در باب برتری صحابه توقف کردند. ایشان جماعتی از معتزله، از جمله ابوعلی، ابوهاشم جبائی و اتباع ایشان بودند. (مفید، ۱۴۱۳ - ت، ص ۱۰۰) البته برخی همچون ابن‌ابی‌الحدید رأی آخرین ابوعلی را تفضیل دانسته‌اند. (۱۳۷۸-۱۳۸۳، ج ۱، ص ۷-۸)

۴. گروهی که همچون امامیه حضرت علی عليه السلام را افضل از جمیع امت می‌دانستند. در این گروه زیدیه و فرق‌گوناگون آن همچون بتریه، سلیمانیه و جارودیه قرار داشتند. نکته قابل توجه اینکه فرق زیدی - بجز جارودیه - همچون اهل سنت و معتزله به صحت خلافت شیخین باور داشتند.^۲ (اشعری قمی، ۱۳۶۰، ص ۷-۸ / نوبختی، ۱۴۰۴، ص ۸-۹) معتزله بغداد - اعم از متقدم و متأخر - و متأخران آنان از بصریان همچون ابو عبدالله بصری (م. ۳۶۷) استاد شیخ مفید و قاضی عبدالجبار (م. ۴۱۵) نیز در این گروه جای می‌گیرند. در این بین، قاضی ابتدا به افضلیت ابوبکر قایل بود، لیکن بعدها تحت تأثیر نوشته‌های استادش ابو عبدالله^۳ به افضلیت امیرالمؤمنین عليه السلام قایل گردید. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸-۱۳۸۳، ج ۱، ص ۹ / قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲-۱۹۶۵، ج ۲۰، ق ۱، ص ۲۱۶)

۱. نخستین معتزله قدمای بصریان همچون عمرو بن عبید، صالح بن عمرو اسواری، ابوهذیل علاف، ابراهیم نظام، ضرار، جاحظ، و هشام بن عمرو بودند که به لزوم امامت فاضل و ترتیب افضلیت مطابق با ترتیب خلافت باور داشتند.

۲. بتریه بیعت با شیخین را خطا نمی‌دانستند و در باب عثمان توقف نمودند. در نگاه سلیمانیه بیعت با شیخین خطا بود، لیکن آنها را فاسق نمی‌دانستند؛ زیرا معتقد بودند آنها در این باب تأویل کردند. (نوبختی، ۱۴۰۴، ص ۸-۹)

۳. مهم‌ترین نوشته ابو عبدالله در این باب، کتاب *الدرجات فی التفضیل* بود.

۵. باید توجه داشت که میان امامیه نیز در خصوص تفضیل امام بر انبیا اختلاف بود. به گفته شیخ مفید بسیاری از متکلمان امامی معتقد به تفضیل انبیا بر ائمه علیهم السلام بودند. محدثان امامی و گروهی از متکلمان به برتری ائمه علیهم السلام بر انبیا - بجز پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله - باور داشتند. در این بین برخی نیز توقف کردند. (مفید، ۱۴۱۳ - ج، ص ۷۰-۷۱ / همو، ۱۴۱۳ - ب، ص ۱۹) توجه شیخ به ادله محدثان در این باب می‌تواند نشانی از گزینش این باور توسط وی و تقویت آن باشد. (مفید، ۱۴۱۳ - ب، ص ۲۰-۳۸)

لازم به ذکر است که تمام فرق مزبور با وجود اختلاف نظر در باور به تفضیل حضرت علی علیه السلام، بر صحت عملکرد صحابه در خصوص تقدیم خلفا و مشروعیت خلافت آنان با یکدیگر هم‌رأی بودند.^۱ این موضوع بی‌شک ریشه در آراء کلامی این فرق در مسائل مربوط به امامت و رهبری جامعه اسلامی، از جمله مبحث افضلیت امام و معنا و گستره آن داشت.

توضیح آنکه در نگاه شیخ - و سایر متکلمان امامیه - افضلیت شرط لازم و ضروری برای امام محسوب می‌شد. (مفید، ۱۴۱۳ - ج، ص ۳۹-۴۰؛ همو، ۱۴۱۳ - ث، ص ۴۵) وی مطابق همین باور - و با توجه به اندیشه تفضیل حضرت علی علیه السلام - به لزوم تقدیم امام در خلافت و عدم صحت خلافت متقدمان و ظلم و فسق آنان قایل گردید. (مفید، ۱۴۱۳ - ج، ص ۴۱-۴۲) در این بین برخی از رهبران معتزله نخستین - از بصریان - نیز همچون امامیه بر لزوم افضلیت امام حکم کرده بودند. (بغدادی، ۱۳۴۶ق، ص ۲۹۳-۲۹۴ / ناشی اکبر، ۱۳۸۶، ص ۲۰۶)

مسلم است که این حکم با توجه به باور آنان در ترتیب افضلیت خلفای چهارگانه به ترتیب خلافت آنان و یا حتی افراط برخی همچون جاحظ در عثمانی‌گری می‌توانست

۱. در این بین، تنها جارودیه - از زیدیه - همچون امامیه به عدم صحت عملکرد صحابه در تقدیم خلفا و عدم مشروعیت خلافت آنان رأی دادند. (نوبختی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱ / ناشی اکبر، ۱۳۸۶، ص ۲۰ / مفید، ۱۴۱۳ - ج، ص ۴۱-۴۲ / همو، ۱۴۱۳ - ب، ص ۱۸-۱۹)

پشتوانه‌ای برای آراء آنان در صحت و مشروعیت خلافت متقدمان تلقی گردد؛ زیرا به آنان این امکان را می‌داد تا به لزوم امامت شخص مورد نظر خود، که او را فاضل‌ترین می‌دانستند، حکم دهند. اما همین باور - یعنی وجوب افضلیت برای امام - همگام با تغییر عقیده معتزله بغداد و متأخران آنان از بصریان در باب تفضیل حضرت علی علیه السلام بر سایر صحابه و یا توقف در این باب دچار تحول گردید؛ چنان که نزد آنان افضلیت شرط کمال و ملاک ارجحیت برای امام دانسته شد، نه شرط لازم و ضروری. (ناشی اکبر، ۱۳۸۶، ص ۲۱۳-۲۱۵) بدین‌روی، در نگاه آنان اولویت تقدیم افضل مشروط به آن گردید که افضلیت و مصلحت در یک نفر جمع شده باشد. (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲-۱۹۶۵، ج ۲۰، ق ۱، ص ۲۲۶-۲۳۰) آنان با تکیه بر همین باور و با ایجاد گزاره‌ای به نام «مصلحت عمومی»، به صحت عملکرد صحابه در کنار زدن امام علی علیه السلام رأی دادند و جواز امامت مفضول را صادر نمودند. سپس برای تثبیت دیدگاه خود از یک‌سو، دلایل خود را بر تقدیم مفضول بر فاضل تبیین و توجیه کردند و از سوی دیگر، اقدام به طرد باور امامیه در لزوم افضلیت امام نمودند.

مهم‌ترین دلایل آنان در تقدیم مفضول عبارت است از:

۱. ترس از وقوع فتنه و آشوب با انتخاب افضل؛ بسیاری از آنان علت انتخاب ابوبکر را همین موضوع دانسته‌اند؛
۲. نشناختن صلاحیت افضل؛
۳. اطاعت‌پذیری بهتر از مفضول؛
۴. شهرت مفضول؛
۵. قریشی بودن مفضول؛
۶. فقدان برخی شرایط لازم برای رهبری افضل، همانند عدم تدبیر سیاسی یا شجاعت؛
۷. وجود برخی معایب در افضل. (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲-۱۹۶۵، ج ۲۰، ق ۱، ص ۲۲۶، ۲۲۲-۲۳۳)

در کنار این دلایل، که مبنای صحه‌گذاردن بر عملکرد صحابه در انتخاب متقدمان بر امام علیه السلام قرار گرفت، باور امامیه در لزوم امامت افضل با دلایلی همچون نبود نص (دلیل نقلی) برای فرد افضل،^۱ تفاوت امام با رسول، عدم دلالت انتخاب ابوبکر بر افضلیت او و تمایل عمر به بیعت با مفضول نقد شد.^۲ (همان، ج ۲۰، ق ۱، ص ۲۱۵-۲۲۰) این تحول آراء به سبب حفظ معتزله در جریان حداکثری بود؛ زیرا در غیر این صورت، معتزله را ناچار می‌ساخت تا همچون امامیه به عدم مشروعیت خلافت متقدمان و ظلم و فسق آنان رأی دهند. این نکته با جایگاه صحابه نزد اهل سنت و لزوم عدالت امام نزد معتزله به شدت در مغایرت بود. علاوه بر این، برخی از زیدیه - بجز جارودیه - که مهم‌ترین رقیب درون شیعی امامیه در این زمان به حساب می‌آمدند، آراء معتزله را در باب افضلیت امام پذیرفتند و در باور خود در مشروعیت خلافت متقدمان در برابر امامیه قرار گرفتند. (مفید، ۱۴۱۳ - ج، ص ۴۱-۴۲)

اما دیدگاه اشاعره در باب لزوم افضلیت امام چنین بود که نخستین رهبر آنان ابوالحسن اشعری، همچون امامیه به لزوم افضلیت مطلق برای امام قایل گردید، (بغدادی، ۱۳۴۶ق، ص ۲۹۳-۲۹۴) لیکن این رأی در زمان شیخ مفید به وجوب افضلیت مشروط برای امام تغییر یافت، به گونه‌ای که در دیدگاه آنان امامت افضل در صورتی که منشأ اختلاف نمی‌گردید، واجب بود. در غیر این حالت امامت مفضول مشروط و متعین بود.

۱. در باور معتزله راهی جز نقل برای شناخت افضل وجود نداشت، و چون معتقد بودند در پندار جمعی اهل سنت در این باره نصی وارد نشده و یا نص با تراحم روبه‌روست، به لزوم امامت افضل رأی داد. (ناشی اکبر، ۱۳۸۶، ص ۲۰۸، ۲۱۳ / قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲-۱۹۶۵، ج ۲۰، ق ۱، ص ۱۰۹، ۲۱۵)

۲. قاضی مبتنی بر دیدگاه شیوخ معتزلی و طی یک بحث مفصل بیان می‌کند که باید از حیث تاریخی دلیل آورده شود که اهل حل و عقد به سبب افضلیت، ابوبکر را انتخاب کرده‌اند، یا بر وجود چنین شرطی نص وجود داشته است؛ و چون هیچ‌کدام نیست تنها فضیلت امام کفایت می‌کند و نیاز به افضلیت نیست. وی همچنین تمایل عمر به بیعت با ابو عبیده جراح را، که نسبت به ابوبکر مفضول بود، دلیلی دیگر بر نقد لزوم افضلیت امام می‌آورد. (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲-۱۹۶۵، ج ۲۰، ق ۱، ص ۲۱۶-۲۲۱)

باقلانی^۱ (م. ۴۰۳) از سرمداران این اندیشه در عصر شیخ مفید بود. وی نخست در وجوب امامت افضل، روایاتی از رسول خدا ﷺ و گفته‌های صحابه را نقل کرده و مدعی گردید: اجماع امت در صدر اسلام در جست‌وجوی افضل و نصب آن به امامت بوده است (باقلانی، ۱۳۶۶ق، ص ۱۸۳) او سپس شروط عدول از امامت افضل را ذکر کرده است؛ (همان، ص ۱۸۴) شروطی که عیناً معتزله در جواز امامت مفضول و مشروعیت خلافت متقدمان نیز از آن استفاده کردند.

نکته قابل توجه آن است که اکثریت اهل سنت در زمان او به این رأی معتقد گردیدند، (جوینی، ۱۳۶۹ق، ص ۸۲-۸۵، ۴۳۰) هرچند در اعصار بعد بیشتر متکلمان اشعری به جواز تقدیم مفضول بر فاضل به طور مطلق قایل شدند. (ایجی، بی‌تا، ص ۴۱۳) البته قصد باقلانی از این رأی، مشروعیت‌سازی برای خلافت متقدمان نبود، بلکه هدف اصلی او ایجاد مشروعیت برای خلافت معاویه خال المؤمنین بود که در باور اهل سنت، امت در خلافت وی برای جلوگیری از آشوب، با وجود صحابه فاضل‌تر از وی، اجماع کردند. (ابن حزم، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۸۹ / نجف‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۰۴) این اقدام باقلانی با توجه به سیاست‌های مذهبی برخی رهبران آل‌بویه (معزالدوله) در لعن معاویه و آشکار شدن سب وی در این زمان بیشتر درک می‌شود.^۲ (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۸، ص ۵۴۲-۵۴۳) از این رو، می‌توان گفت:

۱. نگاشته شیخ مفید بنام *مسأله فی النص علی امیر المؤمنین سألها باقلانی* و برخی از شواهد تاریخی نشان از آشنایی شیخ مفید با وی دارد. (ر.ک. مفید، ۱۴۱۳ - ت، ص ۱۸-۲۲ / همو، ۱۳۶۲، ص ۴۰۵، ۳۶۲ / ابن‌عماد، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۱۶۹)

۲. مقدمه رأی اشاعره، یعنی وجوب افضلیت امام، با باور آنان در تفضیل خلفا بر امام عَلَيْهِ السَّلَامُ هیچ مغایرتی نداشت.

۳. آراء باقلانی با توجه به احترام وی به بزرگان حنابله آن زمان - همچون ابن سمعون واعظ بغدادی - و جایگاه ویژه معاویه نزد حنابله و حتی گزارش معاویه‌پرستی در این زمان نیز قابل درک است. (مقدسی، ۱۳۶۱، ص ۱۷۶ / ابن‌عساکر، ۱۴۱۶ق، ص ۲۰۱ / کرم، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸-۱۰۹)

دغدغه اصلی مفید در مواجهه با اشاعره در این بحث، اثبات تفضیل امام بر متقدمان و طرد باور آنان در تفضیل خلفا بود، نه اثبات رأی خود بر لزوم افضلیت امام.^۱

افزون بر اقوال مختلف در باب افضلیت، معنا و گستره آن نیز محل اختلاف شیخ مفید و رهبران سایر فرق - خاصه معتزله - بود. در نگاه شیخ مفید «افضلیت» به معنای کثرت ثواب بود؛ کثرت ثوابی که از رهگذر برتری اعمال فرد بر سایرین به دست می‌آید و سبب می‌شد فرد در جایگاه محبوب‌ترین بندگان خدا قرار گیرد.^۲ (مفید، ۱۴۱۳ - ج، ص ۳۹-۴۰ / همو، ۱۴۱۳ - الف، ص ۳۴) با این تعریف، افضل نزد شیخ مفید - که لزوماً امام است - کسی است که از تمام مردمان تحت ولایت خود در انجام اعمالی که دارای بیشترین ثواب است، برتر بوده و نزد خداوند جایگاه محبوب‌ترین بندگان را کسب کرده باشد. از این رو، شیخ مفید آن دسته از اعمال امام را، که در جهت منفعت‌رسانی به دین خدا و یاری پیامبر صلی الله علیه و آله انجام شده، به معیاری برای تشخیص کثرت ثواب امام و افضلیت ایشان تفسیر می‌کند؛ (مفید، ۱۴۱۳ - ب، ص ۳۶-۳۸) معیاری که به واسطه آن، جایگاه ایشان نزد پروردگار نیز به دست می‌آید.

۱. باید توجه داشت که طرد رأی اشاعره در مشروط کردن لزوم افضلیت امام به سبب آنکه موجب نفی امامت سایر ائمه می‌گردد در دستور کار شیخ مفید در جلد دوم الارشاد قرار گرفت.
۲. شیخ مفید در جایی دیگر بیان می‌دارد: محال است دیگری در برتری نزد خداوند و دست یافتن به بیشترین ثواب - به سبب اعمال - بر امام تقدم یابد. (مفید، ۱۴۱۳ - ث، ص ۴۴) با توجه به این سخنان می‌توان گفت که در دستگاه کلامی شیخ مفید، افضلیت و اعلمیت امام دو مؤلفه جدای از یکدیگرند. این سخن با بررسی آثار دیگر شیخ مفید در تفضیل امام نیز تصدیق می‌شود. (مفید، ۱۴۱۳ - ب و همو، ۱۴۱۳ - ت، ص ۹۶-۹۸ / همچنین رک. فاریاب، ۱۳۹۵) از این نظر می‌توان گفت: شیخ مفید در الارشاد برای تبیین تفضیل و تقدیم حضرت علی علیه السلام از راه‌های گوناگون، از جمله اثبات نص درباره ایشان، اثبات عصمت، اعلمیت و افضل بودن امام اقدام نموده است. اما آنچه در این پژوهش مد نظر قرار گرفته، اثبات تفضیل و تقدیم ایشان از طریق افضلیت است.

در برابر شیخ مفید، آراء معتزله قرار داشت که اگرچه همچون شیخ مفید افضلیت را در کثرت ثواب تعریف می‌کردند و افضل را کسی می‌دانستند که ثواب او از دیگران بیشتر باشد، (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲-۱۹۶۵، ج ۲۰، ق ۲، ص ۱۱۷ / ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸-۱۳۸۳، ص ۹) لیکن برخلاف شیخ مفید دست یافتن به چنین فردی را به سبب نبود نص ناممکن دانسته، گستره این افضلیت را نیز محدود ساختند؛ بدین معنا که مؤلفه‌های مربوط به شرایط عمومی رهبری جامعه، مانند شجاعت و تدبیر سیاسی را دربر نمی‌گرفت. (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲-۱۹۶۵، ج ۲۰، ق ۱، ص ۲۲۸) این مهم بیش از هر چیز در سخنان قاضی عبدالجبار درباره شروط عدول از امامت فاضل به مفضول نمایان است. این رأی راه برون‌رفتی برای معتزله در نپذیرفتن لزوم افضلیت امام بود؛ راهی که در نهایت، آنان را به صحت عملکرد صحابه در انتخاب متقدمان رهنمون می‌ساخت.

دیدگاه دیگر اندیشه بزرگانی از اشاعره همچون اشعری و باقلانی بود که افضلیت را در هر چیزی که بتوان در آن تفاضل برقرار نمود، معنا کردند. (باقلانی، ۱۳۶۶ق، ص ۱۸۰ / درباره رأی اشعری در این خصوص، ر.ک. فاریاب، ۱۳۹۵ - ب، ص ۶۵) مشخص است که این دیدگاه می‌توانست پشتوانه‌ای برای باور آنان در افضلیت متقدمان باشد؛ زیرا از این طریق هرگونه ویژگی متقدمان را معیاری برای افضلیت آنان قرار می‌دادند. این اندیشه‌ای بود که ابطال آن نیز در نگارش هدمند کتاب *الارشاد* مؤثر بود از این رو می‌توان گفت شیخ به طرد آراء گفتمان‌هایی می‌پرداخت که بر افضلیت متقدمان بر امام عَلَيْهِ السَّلَامُ قایل بودند؛ ضمن آنکه به خدشه‌دار ساختن آراء رقبایی اقدام می‌نمود که در عین پذیرش تفضیل امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، با صدور جواز امامت مفضول و محدود کردن گستره افضلیت امام، بر مشروعیت خلافت متقدمان رأی داده بودند. این اقدام بیش از هر چیز با همگرایی عقل و نقل و از طریق برجسته‌سازی جایگاه و اعمال امام و طرد آن برای متقدمان در کتاب *الارشاد* صورت گرفته است. بدین‌روی، در ادامه شاخص‌هایی که شیخ مفید به واسطه آنها این اهداف را در اثر خود دنبال نموده، شناسایی شده‌اند.

۱. برجسته‌سازی اندیشه تفضیل و طرد باور مشروعیت خلافت متقدمان

الف) تبیین جایگاه حضرت علی علیه السلام

بخشی از تعریف شیخ مفید درباره «افضل»، به جایگاه او اختصاص دارد. در نگاه وی افضل کسی است که از جایگاه محبوب‌ترین بندگان نزد خدا برخوردار باشد.^۱ از همین‌روست که او بخشی از اخبار کتاب را به این مهم اختصاص داده است. توجه به این امر در نظام اندیشه شیخ از یک سو، برای برجسته‌سازی افضلیت امام علیه السلام و طرد باور ترتیب افضلیت به ترتیب خلافت بوده و از سوی دیگر، امکان پاسخ‌گویی به رقبایی را فراهم می‌آورد که با تقلیل در جایگاه امام علیه السلام؛ همچون تفاوت امام با رسول (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲-۱۹۶۵، ج ۲۰، ق ۱، ص ۲۱۵) و یا باور به عدم امکان علم به چنین جایگاهی به سبب نبود نص، (همان، ج ۲۰، ق ۲، ص ۱۱۷) بر اندیشه شیخ مفید در لزوم افضلیت امام اشکال وارد می‌کردند. شیخ مفید این مهم را با گزینش آیات، روایات و اخباری که به صراحت یا تلویحی به جایگاه امام و محبوبیت ایشان نزد پروردگار و پیامبر اشاره دارد، به انجام رسانده است. مجموع این اخبار را می‌توان در عناوین زیر فهرست نمود:

۱. محبوبیت و اکرام امام علیه السلام نزد خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله؛
۲. قرابت و حتی همتایی امام علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله؛
۳. جایگاه اخروی امام علیه السلام و شیعیان ایشان؛
۴. جایگاه مخالفان ایشان.

شیخ مفید در بند نخست، آشکارا به تثبیت آراء خود در خصوص افضلیت امام پرداخته است. او این مهم را با گزینش هوشمندانه احادیثی درباره محبوبیت و منزلت امام نزد خدا و رسول او - همچون حدیث طائر، خبیر، نجوا و طوطیا - به انجام رسانده است؛ (مفید، ۱۳۶۴، ص ۱۳۷، ۱۰۵، ۵۷-۵۸، ۳۸-۳۹، ۳۶، ۳۱-۳۲) احادیثی که محبوبیت امام علیه السلام نزد خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را با عباراتی همچون «احب الخلق الیه من بعدی»، «یحبه

۱. این جایگاه نتیجه برتری اعمال افضل و کثرت ثواب کسب کرده از این بابت بود.

الله و رسوله»، «فان الله قد احبک»، «فان الله تعالی و رسوله عنک راضیان» و «اعظم عندالله مزیه» برجسته نموده است. (همان، ص ۱۳۴، ۱۱۲، ۱۰۵، ۵۷، ۳۶)

نکته قابل توجه اینکه شیخ مفید در تمام این اخبار- بجز دو خبر مربوط به دفن امام علی^{علیه السلام} و اکرام ایشان توسط پروردگار (همان، ص ۲۷-۲۸)- از نصوص پیامبر^{صلی الله علیه و آله} بهره برده است. آشکار است که او این نحوه نوشتن را نخست به سبب تثبیت آراء خود در تفضیل حضرت علی^{علیه السلام} برگزیده است؛ ضمن آنکه طرد دیدگاه غیر را درباره نبود نص برای فرد افضل و عدم امکان دستیابی به کثرت ثواب او بدین سبب مد نظر داشته است. این دیدگاه با حاشیه‌رانی باور امامیه در نص، بر نبود خطای صحابه در انتخاب و تقدیم خلفا بر امام صحه می‌گذارد.

شیخ مفید در بخش دیگری از متن به چینش هدفمند روایاتی در برتری امام بر تمام خلائق بجز پیامبر خاتم^{صلی الله علیه و آله} پرداخته است. او از این طریق پاسخگوی آن دسته از گفتن‌هایی است که با تقلیل در جایگاه امام، بر اندیشه امامیه در لزوم امامت افضل و یا تفضیل حضرت علی^{علیه السلام} اشکال وارد کرده‌اند. (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲-۱۹۶۵م، ج ۲۰، ق ۱، ص ۲۱۵) شیخ مفید در این بخش، مطابق با آراء محدثان امامی درباره جایگاه امام علی^{علیه السلام} به گفتن‌های رقیب پاسخ گفته است. (برای آگاهی از آراء محدثان امامی در این خصوص ر. ک. مفید، ۱۴۱۳ - ب، ص ۱۸-۱۹ / صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۹۳) انتخاب اخباری درباره قرابت منزلت امام علی^{علیه السلام} با پیامبر^{صلی الله علیه و آله} و حتی هم‌رتبه بودن با ایشان - جز در مقام نبوت و وحی - در روایاتی همچون واقعه مباحله، مأموریت امام در ابلاغ سوره براءت،^۱ اطاعت سعد بن عباده از امام علی^{علیه السلام} در فتح مکه به سبب همتایی منزلت امام علی^{علیه السلام} با پیامبر^{صلی الله علیه و آله}،^۲

۱. گزینش این روایت، علاوه بر برجسته‌سازی افضلیت امام علی^{علیه السلام}، در طرد جایگاه خلیفه نخست و عدم افضلیت او نیز تأثیرگذار است.

۲. می‌توان گفت: شیخ با گزینش این روایت، هدف خدشه‌دار ساختن یکی از دلایل معتزلیان در جواز امامت مفضول، یعنی اطاعت‌پذیری بهتر از مفضول را نیز دنبال کرده است. (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲-۱۹۶۵م، ج ۲۰، ق ۱، ص ۲۲۸)

سخنان پیامبر به بریده در همتایی امام علیه السلام با ایشان در غنایم و در نهایت، سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام در همسان بودن مجازات قاتل امام با قاتل پیامبران گزینش‌هایی در این زمینه تلقی می‌شود. (مفید، ۱۳۶۴، ص ۱۵۲-۱۵۵، ۱۴۶، ۱۲۱-۱۲۲، ۵۸-۶۰، ۲۵) این روایات با شواهد قرآنی (آیه مباهله) و توصیفاتی از امام علیه السلام، همچون «خیر البشر»، «خیر الناس اخلف من بعدی»، «خیر هذه الاممه» و نصوصی از پیامبر صلی الله علیه و آله در این خصوص، همچون «هو منی و انا منه»، «علی منی»، «انا و انت من طینة واحدة و هو اخی فی الدنیا و الآخرة» در متن برجسته گردیده است. همان، ص ۱۵۲، ۱۴۶، ۷۷، ۶۰، ۴۱، ۳۹، ۳۶، ۳۵)

دسته سوم روایات این بخش نصوصی از پیامبر در باب پاداش اخروی امام^۱ و شیعیان ایشان و جایگاه ایمانی محبان حضرت علی علیه السلام است. (همان، ص ۳۱-۳۸، ۴۰) می‌توان گفت: هدف شیخ مفید از گنجاندن این روایات در کتاب، افزون بر اثبات افضلیت امام علیه السلام، طرد آراء خرده گفتمان‌هایی همچون حنابله بوده که در عین پذیرش اندیشه تربیع، به کفر شیعیان (کسانی که طعن بر اصحاب می‌زنند)، رأی می‌دادند. (خلال، ۱۴۱۵ق، ص ۴۸۹-۵۱۶، ۳۷۸، ۳۷۴/ بر بهاری، ۱۴۲۶ق، ص ۱۳۰، ۱۲۹، ۳۷) این تکفیر، به ویژه در عصر شیخ مفید، با گسترش فعالیت شیعیان در تبری از برخی از صحابه گسترش یافت. نمونه این افراد در این زمان ابن‌بطه عکبری، رهبر فکری حنابله بغداد، بود که در نوشته‌های خود شیعیان (شتم‌کنندگان به اصحاب پیامبر) را کسانی می‌داند که درکی از اسلام ندارند، هرچند نماز بخوانند و روزه بگیرند. وی همچنین با نقل روایاتی از اهل بیت علیهم السلام می‌کوشید تا شیعیان را مخالف و ضد اهل بیت علیهم السلام جلوه دهد. (ابن‌بطه عکبری، ۱۴۲۳ق، ص ۱۰۹-۱۱۵، ۱۰۳). از همین رو می‌توان اقدام شیخ مفید در گزینش روایاتی از ائمه علیهم السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله در ستایش شیعیان را هدفمند دانست.

۱. برتری امام و شیعیان ایشان در بهره‌مندی از پاداش به وضوح در این روایات نمایان است. این امر بیش از هر چیز مخاطب را به کثرت ثواب امام علیه السلام، و برتری جایگاه ایشان نزد پرورگار رهنمون می‌سازد.

دسته آخر نیز به روایاتی اختصاص دارد که شیخ مفید در نگارش آنها حاشیه راندن جایگاه ایمانی دشمنان حضرت علی علیه السلام را در نظر داشته است.^۱ (مفید، ۱۳۶۴، ص ۱۴۷، ۳۹-۴۰، ۳۷-۳۸، ۳۶) از این نحوه نگارش هدفمند شیخ مفید می‌توان طرد باور گفتمان‌هایی را دریافت که متأثر از عثمانی‌مذهبان برای امام علیه السلام فضیلتی نمی‌شمردند و مخالف ایشان بودند. بدین‌سان می‌توان طرد آنان را که به سبب قتال امیرالمؤمنین علیه السلام با اهل قبله یا پذیرش حکمیت، ایشان را از فضیلتی که داشت خارج نموده بودند، درک کرد. اینان خوارج، برخی از اهل حدیث و جماعت اندکی از معتزله بودند.

اما از سوی دیگر و با توجه به چینش روایاتی در متن درباره بغض خلیفه دوم نسبت به امام علیه السلام (همان، ص ۱۴۶، ۱۳۷-۱۳۸، ۶۸-۶۹)، می‌توان این بخش را در جهت طرد جایگاه ایمانی متقدمان و اثبات آراء شیخ مفید در این باب نیز عنوان نمود. این اقدام، به ویژه با توجه به جایگاه خلیفه دوم نزد اهل سنت، که هم‌طراز جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشان داده می‌شد، معنای بیشتری می‌یابد.

(ب) برجسته‌سازی اعمال امام علیه السلام

تبیین اعمال امام علیه السلام و منافع حاصل از آن در متن بخش دیگری از راهکارهای شیخ مفید در تثبیت افضلیت حضرت علی علیه السلام و طرد نظر تقدم خلفا بر ایشان بود. در باور شیخ مفید، افضلیت همان کثرت ثوابی بود که در نتیجه اعمال فرد - اعمالی که از رهگذر آن بهشت یافت می‌شود - بدست می‌آید و البته - همان‌گونه که گفته شد - نتیجه‌اش کسب جایگاه محبوب‌ترین فرد نزد پروردگار بود. اما نکته قابل تأمل این‌که شیخ مفید در این بخش علاوه بر به‌کارگیری آراء خود، از آراء غیر، که در تبیین افضلیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر سایر انبیا وارد شده، نیز بهره برده است. توضیح آنکه معتزله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به علت کثرت تصدیق‌کنندگان

۱. شیخ مفید در این قسمت نصوصی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه - جابر - را در کفر و نفاق مخالفان حضرت علی علیه السلام برگزیده است.

و به سبب منافی که از رهگذر این دین به افراد بشر رسانده است، از سایر انبیا افضل می‌دانستند. (مفید، ۱۴۱۳ - ب، ص ۳۶-۳۸)

شیخ مفید نیز با استناد به این رأی، اعمال امام علیه السلام را از لحاظ یاری کردن پیامبر صلی الله علیه و آله برای منفعت رساندن دین خدا به افراد بشر و نیز کمک به ایشان برای تثبیت شریعت اسلام و کثرت تصدیق‌کنندگان، هم‌پایه اعمال پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته است. بنابراین فضیلتی را که از این بابت سایرین برای پیامبر صلی الله علیه و آله محقق می‌دانستند برای امام علیه السلام اثبات می‌نمود. (همان، ص ۳۷)

به نظر می‌رسد گزینش اخباری درباره جهادگری و شجاعت حضرت علی علیه السلام، تدابیر ایشان، سبقت آن حضرت و فداکاری وی همه با همین هدف انجام گرفته است؛ اخبار و روایاتی که برخی شرایط عمومی رهبری جامعه اسلامی را برای امام علیه السلام اثبات می‌نماید و برخی دیگر فضایل انحصاری ایشان را ذکر می‌کند. در این بین اخبار مربوط به جهاد و دلاوری‌های حضرت علی علیه السلام بیشترین فراوانی را دارد و از این منظر درخور توجه است. (مفید، ۱۳۶۴، ص ۶۰-۱۵۰) این موضوع از آن‌رو مهم است که در نگاه شیخ مفید بیشترین منفعت به پیامبر صلی الله علیه و آله در تثبیت شریعت اسلام و یاری دین خدا از این طریق صورت گرفته است. عملی که مصداق کامل کثرت ثواب و در نهایت، افضلیت امام علیه السلام نزد شیخ محسوب می‌شد.

شیخ مفید در این بخش و همسو با هدف خود، از سه دسته روایت برای برجسته‌سازی اعمال امام علیه السلام و تأیید افضلیت ایشان مدد گرفته است، به واسطه: ۱. تأیید خدا، رسول و ملائکه؛ (همان، ص ۱۲۴، ۱۰۶، ۹۵، ۹۳، ۷۷، ۷۹، ۶۴، ۳۶) ۲. تأیید و ستایش صحابه، به ویژه شیخین؛^۱ (همان، ص ۹۳-۹۴) ۳. تأیید تاریخی.

۱. تشبیه عمل امام علیه السلام در کشتن عمرو بن عبدود به قصه حضرت داود و جالوت توسط جابر، بوسیدن سر امام علیه السلام توسط شیخین در خندق و سخن حذیفه در برتری عمل امام علیه السلام در خندق بر عمل تمام اصحاب حضرت محمد صلی الله علیه و آله تا روز قیامت، به خوبی دیدگاه شیخ مفید را در بهره‌مندی امام علیه السلام از کثرت ثواب به سبب اعمال ایشان تبیین کرده است.

او با افزودن اخباری از تدابیر امام علی علیه السلام، علاوه بر برجسته‌سازی باور تفضیل، به طرد آراء معتزله در گستره افضلیت امام و بخشی از دلایل آنان در جواز تقدیم مفضول نیز نظر داشته است؛ (همان، ص ۵۵-۵۷، ۵۰-۵۲، ۴۸-۵۰) زیرا در نگاه غیر امکان داشت شخصی افضل باشد، لیکن مؤلفه‌های لازم برای رهبری همچون شجاعت، تدبیر سیاسی و آشنایی با فنون جنگی را نداشته باشد. شیخ مفید با گنجاندن این اخبار در متن، ضمن آنکه مؤلفه‌های دیگر گروه‌ها در خصوص رهبری را برای امام می‌پذیرد، به پیوستگی افضلیت امام با این مؤلفه‌ها نیز رأی می‌دهد.

اما هدف مرجح شیخ مفید در این بخش نفی مهم‌ترین دلیل تقدیم خلفا بر امام علیه السلام، یعنی مبعوض بودن ایشان به سبب نبرد با قریش و از میان بردن سران آنان است. مطابق این باور، عدول از افضل به مفضول زمانی قابل قبول است که افضل دارای مقبولیتی ناچیز باشد و نفرت عمومی جای مقبولیت مردمی را گرفته باشد. همچنین امامت او منجر به وقوع فتنه و از میان رفتن وحدت امت شود. شیخ مفید با گنجاندن اخباری از ستایش صحابه، دشمنان امام علیه السلام و بازماندگان مشرکان درباره جهاد و دلاوری‌های امیرالمؤمنین علیه السلام و نیز اشاره به کرامت انسانی و فضایل اخلاقی امام علیه السلام در برابر مشرکان (همان، ص ۹۶-۹۸، ۹۴، ۹۳، ۶۸-۶۹)، بر گفتمان‌های رقیب خدشه وارد نموده و بر اندیشه آنان در جواز امامت مفضول به این دلیل خط بطلان کشیده است. (در خصوص آراء رقبا در صحت انتخاب ابوبکر به سبب مبعوض بودن امام نزد قریش، ر.ک. ناشی اکبر، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰)

لازم به ذکر است که رقبای امامیه افزون بر این، با خدشه‌دار کردن فضایل اخلاقی امام علیه السلام و توصیف آن حضرت با صفاتی همچون «سختگیر بودن در دین»، و «تازیانه به دست بودن»، در برابر توصیف متقدمان به «رحیم و دلسوز بودن» و «اهل تسامح بودن»، به فقدان مقبولیت مردمی ایشان حکم کرده‌اند.^۱ شیخ مفید در نقض این آراء، هوشمندانه

۱. ابن ابی‌الحدید در این باره آورده است: «علی کار خلافت را شایسته نیست؛ زیرا مردی سخت دیندار است و از هیچ خطایی چشم‌پوشی نمی‌کند... و با این روش نمی‌توان رعیت را اداره کرد.» (ابن ابی‌الحدید،

نصوصی از پیامبر صلی الله علیه و آله را در توصیف حلم و رأفت امام علیه السلام با عباراتی همچون «اعظمهم حلماً»، «ارجحهم حلماً»، «ارأفهم بالرعیه» در متن گنجانده است. او با نقل ستایش پیامبر صلی الله علیه و آله از دین‌داری امام علیه السلام با عباراتی همچون «اوفاهم بعهد الله» سختگیری امام علیه السلام در دین را در برابر بدعت‌های متقدمان قرار داده و برخلاف گفتمان‌های مقابل، آن را به مؤلفه‌ای برای افضلیت و تقدم ایشان تبدیل ساخته است. (مفید، ۱۳۶۴، ص ۱۵۸، ۱۳۳، ۱۱۰، ۴۱، ۳۶، ۳۵)

اما قسمی دیگر از اهداف شیخ در این بخش با نقل نصوص پیامبر صلی الله علیه و آله در باره نبردهای امام پس از رسول‌الله صلی الله علیه و آله و تفسیر آنها به نبرد برای تأویل قرآن تأمین گردیده است. افزون بر این شیخ مفید اخباری را از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره نبرد امام علیه السلام با خوارج و توصیف آنها با عبارت «یمرقون من الدین» آورده و از این طریق نخست حقانیت امام علیه السلام در نبردهای پس از خلافت و یا پذیرش حکمیت را برجسته کرده است. (همان، ص ۱۳۳-۱۳۴، ۱۱۰-۱۱۱) و در ضمن آن گفتمان‌هایی را طرد نموده است که حضرت علی علیه السلام را به سبب قتال با اهل قبله یا پذیرش حکمیت، از فضایی که داشت خارج دانسته و یا در این خصوص توقف کرده بودند. باید توجه داشت که اثبات حقانیت امام علیه السلام در این نبردها، به ویژه نبرد جمل، یکی از مهم‌ترین چالش‌های شیخ مفید در این عصر بود. این امر بدان سبب بود که گفتمان‌های رقیب، اعم از اهل سنت یا معتزله در پیوند با یکدیگر و با آرائی همچون جایگاه یکسان صحابه، عدالت و اجتهاد آنان و یا طرح توبه برای سران جمل، در حقانیت مطلق امام علیه السلام در این نبرد تشکیک ایجاد کرده (نک. مفید، ۱۴۱۳ - پ، ص ۵۳-۷۱) و حتی موجب درگیری میان پیروان خود با شیعیان در حقانیت سران جمل گردیده بودند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۸، ص ۶۳۲) در چنین فضایی بود که شیخ مفید نه تنها در کتاب *الارشاد*، بلکه در متنی جداگانه به نام *الجمل* به تبیین این موضوع پرداخت. علاوه بر این شیخ مفید با تأیید نبردهای امام علیه السلام به تأویل قرآن و نفی آن برای خلفا توسط پیامبر صلی الله علیه و آله، طرد آراء غیر در افضلیت خلفا به سبب نبردهای آنان در زمان خلافت را هدف قرار داده است.

شیخ مفید در برجسته‌سازی اعمال امام عَلَيْهِ السَّلَام افزون بر آنچه گذشت، اعمال انحصاری ایشان را - که نشانی از کثرت ثواب هستند - مانند فداکاری در لیلۃ‌المبیت و سبقت در اسلام نیز ذکر کرده است. او با آوردن شاهد قرآنی و سخنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره به آنها اعتبار بخشیده است. (مفید، ۱۳۶۴، ص ۴۵-۴۷، ۳۴-۳۶، ۳۰-۳۱) نگارش هدفمند شیخ مفید امکان طرح این احتمال را باقی می‌گذارد که خبر لیلۃ‌المبیت، ضمن تأکید بر کثرت ثواب و تشبیه باور تفضیل امام عَلَيْهِ السَّلَام، با هدف به حاشیه‌راندن اخبار «یار غار» - که در گفتمان‌های غیر مطرح بود و در اعتباربخشی و مشروعیت‌سازی خلافت ابوبکر به کار می‌رفت - در متن گنجانده شده باشد. گفتمان‌های غیرمطرح بود و در اعتباربخشی و مشروعیت‌سازی خلافت ابوبکر به کار می‌رفت.

سبقت در اسلام نیز اگرچه جزء شرایط امام نزد هیچ‌یک از گفتمان‌های موجود نبود، لیکن به عنوان فضیلتی عقیدتی و عملی - که مصداق کثرت ثواب بود - می‌توانست تنها در اختیار یکی از اصحاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد. انتقال این فضیلت به خلیفه نخست، به بهانه کم سن بودن امام عَلَيْهِ السَّلَام اقدامی بود که از سوی گفتمان‌های متأثر از گرایش‌های عثمانی صورت گرفته بود. از این رو شیخ مفید تلاش نمود تا با گزینش و چینش روایاتی که به صورت مستقل و یا در خلال سایر فضایل به سبقت امام عَلَيْهِ السَّلَام در اسلام اشاره داشت، در باور تخصیص آن به خلیفه نخست خدشه ایجاد کند. وی همچنین با تشبیه سبقت امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام در کودکی به تصدیق حضرت عیسی و یحیی عَلَيْهِمَا السَّلَام در کودکی، دیدگاه رقبا را در کم‌اهمیت جلوه دادن این فضیلت به سبب کم سن بودن به حاشیه راند. (مفید، ۱۳۶۴، ص ۲۹۵-۲۹۶)

۲. نفی تفضیل و تقدیم متقدمان بر امام عَلَيْهِ السَّلَام

این شیوه نگارش شیخ مفید را نیز می‌توان در ذیل دو عنوان مورد توجه قرار داد:

اول. حاشیه‌رانی جایگاه و اعمال متقدمان^۱

شیخ مفید در برابر جایگاه امام علیه السلام، اعمال ایشان و کثرت ثواب حاصل از آنها، جایگاه متقدمان، اعمال آنها و ضرر و زیان متعاقب آن را قرار داده است. بر این اساس، شیخ بدین‌وسیله، به عدم بهره‌مندی متقدمان از ثواب حکم داده و باور منطبق بودن افضلیت بر ترتیب خلافت یا رأی مصلحت در انتخاب آنان را رد نموده است. او این مسئله را با گزینش چندگونه از اخبار در متن کتاب خود به انجام رسانده است:

نخست اخباری در خدشه‌دار ساختن جایگاه و محبوبیت آنان نزد خدا و رسول، همچون اخباری از نبرد بدر که با آیات قرآن در فضیلت این نبرد و اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله در انتخاب حضرت علی علیه السلام برای نبرد با دلاوران قریش همراه گردیده است. (همان، ص ۶۶-۶۸، ۶۲-۶۴) می‌توان گفت: شیخ مفید از نقل این خبر، افزون بر برجسته‌سازی افضلیت امام علیه السلام به سبب جهاد، نفی دیدگاه گروه‌هایی از معتزله و حشویه را دنبال نموده است که بر محبوبیت شیخین نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و افضلیت آنان بر سایر صحابه به سبب عدم انتخاب آنان در جنگ بدر و قرار گرفتن آنان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله باور داشتند. (مفید، ۱۴۱۳ - ت، ص ۳۴) ایشان در همین زمینه با ذکر اخباری از ناراحتی و غضب پیامبر نسبت به خلفا به تثبیت رأی خود در عدم محبوبیت خلفا پرداخته است. (مفید، ۱۳۶۴، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۴۸، ۱۳۰، ۵۷)

شیخ مفید در ادامه و برای تقویت آراء خود در باب عملکرد خلفا و زیان حاصل از آن، اخباری از فرار آنان در نبردهای عصر پیامبر ذکر کرده و آن را در مقابل اخباری از ثبات قدم امام علیه السلام و ایمان ایشان در نبرد با مشرکان قرار داده است. (همان، ص ۱۴۸)

۱. باید توجه داشت که در این بخش شیخ مفید بیشتر طرد اعمال و جایگاه شیخین را مد نظر قرار داده است. این امر بیش از هر چیز به سبب همفکری مهم‌ترین رقیب فکری آنان - یعنی معتزله - با آنان در مثالب دوره دوم خلافت عثمان بود. این درحالی بود که آنان درباره شیخین اختلاف نظر اساسی با یکدیگر داشتند.

۱۲۶-۱۲۸، ۱۰۹-۱۱۰، ۷۵-۸۰، ۵۷) بی‌تردید، قصد شیخ مفید از این اخبار نفی یکی از شروط لازم برای رهبری نزد گفتمان‌های مقابل، یعنی شجاعت و آشنایی با فنون جنگی برای خلفای سه‌گانه و به دنبال آن نفی تفضیل آنان بر امام عَلَيْهِ السَّلَام بوده است. (درباره شرایط رهبری نزد اهل سنت، نک. باقلانی، ۱۳۶۶ق، ص ۱۸۱-۱۸۴)

او همچنین با نقل اخباری از شکست متقدمان و بی‌تدبیری نظامی و سیاسی آنان نه تنها باور به افضل بودن خلفا، بلکه اصلح بودن آنان را نیز رد کرده است؛ (نک. مفید، ۱۳۶۴، ص ۱۴۸، ۱۱۸-۱۲۰، ۵۷، ۵۲) زیرا در باور گفتمان‌های معتقد به جواز امامت مفضول، این مؤلفه‌ها دلیلی برای اصلح بودن مفضول و جواز تقدیم او بر فاضل عنوان گردیده بود. شیخ مفید در این بخش، هوشمندانه آراء غیر را علیه خود آنان به کار برده است تا بدین وسیله دلیل آنان را در صحت عملکرد صحابه با انتخاب اصلح نفی نماید.

بخش دیگری از اهداف شیخ مفید اثبات آراء کلامی خود، مربوط به خدشه‌دار ساختن ایمان متقدمان بوده (مفید، ۱۴۱۳ - ج، ص ۳۹-۴۰) که با چینش چند دسته از اخبار در متن انجام گرفته است: نخست اخباری است که به گفت‌وگوی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام عَلَيْهِ السَّلَام در مذمت فرارکنندگان از نبرد و سخن در کفر بعد از ایمان آنان اختصاص دارد. (مفید، ۱۳۶۴، ص ۷۸-۷۹، ۷۷) پس از آن نیز می‌توان به روایاتی اشاره کرد که شیخ مفید از نافرمانی شیخین، به ویژه خلیفه دوم از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مواضع گوناگون و حتی تردید در نبوت آن حضرت آورده است. (همان، ص ۱۵۹، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۳۷-۱۳۸، ۱۳۰)

تمرکز خاص شیخ مفید بر خلیفه دوم این احتمال را تقویت می‌کند که او قصد تقویت باور امامیه درباره بدعت‌گزاری‌های وی - مانند نماز تراویح و منع ازدواج متعه - و طرد مواضع تدافعی اهل سنت در این خصوص را دنبال می‌کرده است؛ زیرا در اندیشه اهل سنت خلیفه دوم آشناترین فرد به سیره و سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و قرآن شناخته می‌شد و عملکرد او، که گاه نزد امامیه بدعت خوانده می‌شد، به عنوان منبعی شرعی، برای آنان قابل استناد و برحق بود. آنان در این زمینه مقامی هم‌طراز با جایگاه رسول خدا به وی دادند و به این

بدعت‌ها، همچون احکام پیامبر عمل کردند. (نجمی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۸) از همین‌روست که شیخ مفید از این طریق به طرد جایگاه عبادی - فقهی وی اقدام نموده است. البته شیخ مفید این جایگاه فقهی را نه تنها برای خلیفه دوم، بلکه برای سایر خلفا نیز نفی نموده است. این موضوع بیش از هر چیز در روایاتی که در اثبات اعلیت امام علیه السلام و حاشیه‌رانی علم خلفا در متن وارد شده، نمایان می‌گردد. خبر داوری‌های امام علیه السلام در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و خلفای نخست و تبیین عدم آشنایی آنان به کتاب و سنت از آن جمله است. (مفید، ۱۳۶۴، ص ۱۸۶-۲۰۰، ۱۸۵)

دوم. نفی عملکرد صحابه در انتخاب افضل و اصلح

حاشیه‌رانی عملکرد صحابه در جهت طرد شیوه‌گزینش امام در گفتمان‌های غیر صورت گرفته است. این اقدام بدان سبب است که تمام رقبای امامیه با تکیه بر همین موضوع، بر مشروعیت خلافت متقدمان حکم کرده بودند. البته شیخ مفید بیش از همه، برجسته‌سازی شیوه تعیین امام در گفتمان خودی را در دستور کار قرار داده است. اکتفا به ذکر اجمالی واقعه سقیفه و توصیف آن با عبارت «فتنة عمت و بلیة شمت و أسباب سوء اتفاق، تمکن بها الشیطان» و بهره‌گیری از نص پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حيله امت پس از ایشان (همان،

۱. این برجسته‌سازی با به‌کارگیری نصوص متعدد پیامبر صلی الله علیه و آله، که در سراسر متن در باب افضلیت امام علیه السلام گسترده شده، صورت گرفته است. شیخ مفید در این بخش، به‌ویژه با بهره‌گیری از تعبیر پیامبر صلی الله علیه و آله درباره امام علیه السلام، همچون «وصی»، «وزیر» و «سیدالوصیین» و چنین روایاتی در ملقب ساختن امام علیه السلام به عنوان «امیرالمؤمنین» توسط پیامبر صلی الله علیه و آله (نص جلی) مخاطب را به حقانیت گفتمان امامی رهنمون ساخته است. افزون بر این شیخ مفید با مستند ساختن حدیث منزلت و غدیر با آیات قرآنی، دیدگاه امامیه را در منصوص بودن امامت حضرت علی علیه السلام را از این طریق قوت بخشیده و به دنبال آن دیدگاه گفتمان‌های غیر را در تعبیر این احادیث به دوستی با حضرت علی علیه السلام رد کرده است. (مفید، ۱۳۶۴، ص ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۶۴-۱۶۰، ۱۴۲-۱۴۱، ۴۴، ۴۲-۴۰، ۳۵)

ص ۲۷۵-۲۷۶، ۱۷۷-۱۷۸)، خود مقدمه‌ای بر این حاشیه‌رانی است که شیخ مفید به طرق ذیل آن را به انجام رسانده است:

نخست حاشیه‌رانی مصلحت انتخاب ابوبکر با طرد مهم‌ترین دلیل گفتمان معتزله در انتخاب وی، یعنی جلوگیری از وقوع فتنه و آشوب؛ شیخ مفید این باور را با اخباری از اختلاف شدید مهاجران و انصار در هنگام انتخاب ابوبکر، مخالفت رهبر قریش، ابوسفیان با این انتخاب و با هدف ایجاد آشوب، ناراحتی دختر پیامبر ﷺ و نارضایتی حضرت علی علیه السلام از این واقعه رد کرده است. (همان، ص ۱۷۵-۱۷۷) در واقع شیخ مفید از این طریق به نفی باور اجماع امت در انتخاب ابوبکر پرداخته و در حاشیه‌رانی دیدگاه مقابل، در ذهن مخاطب خود، امکان از بین رفتن وحدت جامعه با این انتخاب را ایجاد کرده است؛ حادثه‌ای که با اقدامات امام علیه السلام از آن جلوگیری شد.

شیخ مفید همچنین با ذکر نارضایتی امیرالمؤمنین علیه السلام از ماجرای سقیفه (همان، ص ۲۸۵، ۲۷۷-۲۷۹، ۲۳۹، ۲۷۵، ۲۳۸، ۲۳۵، ۲۳۱، ۱۷۶)، آراء رقبایی را نفی کرده که معتقد بودند: حضرت علی علیه السلام خود اعتقادی به نص نداشت و با رغبت با ابوبکر بیعت نموده است. (درباره آراء رقا در این خصوص، ر.ک. اشعری، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۲۵۷، ۲۵۶ / قاضی عبدالجبار، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۴) او به این مقدار بسنده نکرده و در ادامه با بیان علل اصلی انتخاب ابوبکر از دیدگاه امام علیه السلام، یعنی فراهم شدن شرایط برای این انتخاب به سبب اختلاف میان انصار - و نه افضلیت یا مصلحت -، همراهی قریش به سبب ترس از قرار گرفتن خلافت در خاندان پیامبر علیه السلام و طمع و توطئه شیخین در امر جانشینی، بر باور گفتمان‌های رقیب در اجماع صحابه برای انتخاب افضل یا اصلح خط بطلان کشیده است. (مفید، ۱۳۶۴، ص ۲۳۸، ۲۷۷، ۱۷۶)

وی در همین زمینه با خدشه‌دار ساختن جایگاه نسبی ابوبکر در متن، با عبارتی همچون «الردل بن الردل» (همان، ص ۱۷۷) - که عیناً در مقابل دیدگاه غیر در برجسته‌سازی نسب وی به عنوان گرامی‌ترین فرد قریش بود - عملکرد صحابه را در تقدم ایشان بر

امام علیه السلام به سبب افضل یا اصلح بودن طرد نموده است؛ زیرا یکی از معیارهای خلافت نزد اهل سنت و معتزله قریشی بودن امام بود. این امر سبب گردید تا معتزلیان نیز یکی از دلایل خود در جواز تقدیم مفضول بر فاضل را قریشی بودن مفضول بدانند. (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲-۱۹۶۵، ج ۲۰، ق ۱، ص ۲۳۴-۲۳۹) نفی این باور و تبیین عدم صحت عملکرد صحابه اقدامی است که از این طریق و با برجسته‌سازی جایگاه نسبی و سببی حضرت علی علیه السلام صورت گرفته است. (مفید، ۱۳۶۴، ص ۲۳۹، ۲۱۹، ۱۷۲، ۷-۸)

لازم به ذکر است که در میان رقبای امامیه، برخی با اعتقاد به نص درباره ابوبکر و یا توصیه پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او، حکم افضلیت و تقدیمش را صادر نموده بودند.^۱ (اشعری، ۱۴۰۰ق، ص ۴۵۵-۴۵۶) شیخ مفید حاشیه‌رانی این رأی را نخست با گزینش هدفمند سخن پیامبر صلی الله علیه و آله درباره برگزاری نماز در غیاب خود و انتخاب نکردن شخصی خاص برای امامت نماز انجام داده^۲ و بدین‌سان، بر باورش در خصوص دلالت نداشتن امامت نماز بر خلافت و جانشینی تأکید کرده است. شیخ مفید در ادامه با به‌کارگیری سخن پیامبر صلی الله علیه و آله در تشبیه همسران خود به زنان فتنه‌گر زمان حضرت یوسف، امامت نماز ابوبکر را توطئه دختران خلفا و نه نص پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته است. او با نقل خبر نپذیرفتن امامت نماز او توسط پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آراء رقیب در این خصوص را نفی کرده است. (مفید، ۱۳۶۴، ص ۱۶۸-۱۶۹)

شیخ مفید به اثبات باور خود و امامیه درباره عدم مشروعیت خلافت خلیفه دوم نیز توجه داشته است. گفتمان‌های مقابل دلایلی را درباره مشروعیت خلافت عمر یا در خصوص افضل بودن وی مطرح کرده بودند که شیوه طرد آنها توسط شیخ مفید در بخش‌های

۱. قول به نص خفی به احمد بن حنبل - حنبله - و جماعتی از اهل حدیث نسبت داده شده است. این گروه به امامت نماز ابوبکر و حدیث «عدم سد خوچه» ابوبکر بر مدعای خود استدلال کرده‌اند. (فراء، بی‌تا، ص ۲۲۶)

۲. عبارت «یصلی الناس بعضهم» سند این ادعاست. (مفید، ۱۳۶۴، ص ۱۶۸)

پیشین ذکر شد. اما علاوه بر آنها، دلایلی همچون انتخاب وی توسط اصلح یا افضل، اجماع صحابه در رضایت به امامتش و قریشی بودن وی را نیز برشمرده‌اند. (اشعری، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۲۵۷، ۲۵۵ / قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲-۱۹۶۵، ج ۲۰، ق ۲، ص ۳-۹) شیخ مفید با تبیین راضی نبودن امام علیه السلام از این انتخاب و نفی اجماع صحابه در این باره و نیز اثبات انتخاب عمر توسط غیراصلح، منظور خود را تأمین کرده است؛^۱ همان‌گونه که با حاشیه‌رانی اخلاق عمر و مقبولیت مردمی وی، از طریق نقل توصیفات حضرت علی علیه السلام (مفید، ۱۳۶۴، ص ۲۷۸-۲۷۹) اعتبار مؤلفه‌ای را زیر سؤال برده است که از سوی گفتمان‌های مقابل به عنوان وجه تمایز خلفا نسبت به امام علیه السلام و علت انتخاب آنان - با وجود فضایل بی‌شمار امام علیه السلام - در نظر گرفته شده بود.

او مشروعیت خلافت خلیفه سوم (اشعری، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۲۵۷ / قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲-۱۹۶۵، ج ۲۰، ق ۲، ص ۳۰-۳۲) را نیز با ذکر نارضایتی امیرالمؤمنین علیه السلام از شورا و نفی عملکرد عمر در این خصوص خدشه‌دار کرده است. (مفید، ۱۳۶۴، ص ۲۷۹-۲۸۰، ۲۷۶-۲۷۷) این دیدگاه شیخ مفید کاملاً در برابر دیدگاه جریان‌های رقیبی بود که به دفاع از عملکرد عمر در تشکیل شورا می‌پرداختند. (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲-۱۹۶۵، ج ۲۰، ق ۲، ص ۲۰-۲۶) شیخ مفید همچنین با اشاره به سخنان امام علیه السلام درباره علت بیعت عبدالرحمن بن عوف با عثمان - خویشاوندی و طمع در امر خلافت - (مفید، ۱۳۶۴، ص ۲۷۶-۲۷۷) به طرد آراء گفتمان‌هایی پرداخته‌است که افضلیت عثمان را دلیل این بیعت دانسته‌اند. (باقلانی، ۱۳۶۶ق، ص ۱۸۲) وی در نهایت، با به کارگیری سخنان امام علیه السلام در بی‌همتایی ایشان با اهل شورا و حتی شیخین (مفید، ۱۳۶۴، ص ۲۷۹) باور ترتیب افضلیت به ترتیب خلافت را طرد و اندیشه تفضیل حضرت علی علیه السلام را برجسته ساخته است.

۱. شیخ مفید به سخن ابوبکر درباره عدم صلاحیتش برای خلافت اشاره کرده است. (همان، ص ۲۷۸) از نگاه شیخ مفید مشروعیت خلافت عمر به سبب انتخاب توسط غیراصلح، مردود است.

جمع‌بندی و نتیجه

تثبیت باورهای کلامی امامیه و به عبارت دقیق‌تر، آراء شخص شیخ مفید در مبحث افضلیت امام، بخشی از اهداف شیخ مفید در نگارش کتاب الارشاد بوده است. او به واسطه این هدف، حقانیت گفتمان خودی را در امامت بلافضل حضرت علی علیه السلام و طرد آراء گفتمان‌های غیر در مشروعیت خلافت متقدمان را در متن تبیین کرده است. چرا که تمام گفتمان‌های رقیب، اعم از درون‌شیعی و برون‌شیعی، اگرچه در مسئله تفضیل حضرت علی علیه السلام با یکدیگر در اختلاف بودند، لیکن در صحت عملکرد صحابه در تقدیم خلفا به عللی همچون افضل دانستن آنان بر امام و یا مصلحت در تقدیم آنان با یکدیگر همسو گردیدند و در دو عرصه درگیری‌های اجتماعی، به طرد این باور امامیه پرداختند. از این رو شیخ مفید برای حفظ هویت تشیع امامی، به نگارش این متن اقدام کرد. او با تکیه بر باورهای خود در مبحث امامت عامه و خاصه، همچون لزوم افضلیت امام و باور تفضیل حضرت علی علیه السلام و بهره‌گیری از برخی آراء گفتمان‌های رقیب، آراء گفتمان‌های غیر در عدم لزوم افضلیت امام و یا عدم تفضیل حضرت علی علیه السلام را به چالش کشید. وی در همین زمینه و با معنا کردن «افضلیت» به «کثرت ثواب» و تطبیق آن بر اعمال و جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام از طریق شاخصه‌هایی همچون برجسته‌سازی جایگاه و اعمال امام علیه السلام، طرد جایگاه و اعمال متقدمان و طرد عملکرد صحابه در انتخاب افضل یا اصلح به این مهم پرداخت.

منابع

١. ابن‌ابی‌الحدید (١٣٧٨-١٣٨٣)، شرح نهج‌البلاغه، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی.
٢. ابن‌اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم (١٣٨٥ق)، الكامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر.
٣. ابن‌بطه، عبدالله بن محمد (١٤٢٣ق)، الشرح و الابانة على الاصول السنة و الديانة، ریاض، دارالامر.
٤. ابن‌جوزی، عبدالرحمن بن علی (١٤١٢ق)، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوك، تحقیق: عبدالقادر عطا محمد و عبدالقادر عطا مصطفی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
٥. ابن‌حزم، ابومحمد بن احمد (١٤١٦ق)، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، بیروت، دارالکتب العلمیه.
٦. ابن‌حنبل (١٤٠٣ق)، فضائل الصحابه، تصحیح: وصی‌الله بن محمد عباس، مکه، جامعه ام القرى.
٧. ابن‌شهر آشوب مازندرانی، ابوجعفر محمد بن علی (١٣٨٠ق)، معالم العلماء فی الفهرست کتب الشیعة و اسماء المصنفین، نجف‌اشرف، المطبعة الحیدریه.
٨. ابن‌عساکر (١٤١٦ق)، تبیین کذب المفتری فیما نسب الی الامام ابی‌الحسن الاشعری، بیروت، دارالجليل.
٩. ابن‌عماد، عبدالحی بن احمد (١٤٠٦ق)، شذرات الذهب، بیروت، دار ابن‌کنیر.
١٠. ابن‌کنیر، اسماعیل بن عمر (١٤٠٧ق)، البدایة و النهایه، بیروت، دارالفکر.
١١. ابن‌ندیم، محمد بن اسحاق (بی‌تا)، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، بی‌جا.
١٢. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل (١٤٠٠ق)، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلیین، ویسبادن، فرانس شتاینر.
١٣. _____ (١٣٩٧ق)، الابانة عن اصول الديانة، قاهره، دارالانصار.
١٤. اشعری، سعد بن عبدالله (١٣٦٠)، المقالات و الفرق، تهران، علمی و فرهنگي.
١٥. ایجی، قاضی عبدالرحمن بن احمد (بی‌تا)، المواقف فی علم الکلام، بیروت، عالم‌الکتب.
١٦. باقلانی، ابوبکر محمد بن طیب (١٣٦٦ق)، التمهید فی الرد علی الملحد، قاهره، دارالکفر العربی.
١٧. بربهاری، حسن بن علی (١٤٢٦ق)، شرح السنه، تحقیق و تعلیق عبدالرحمن بن احمد الجمیزی، ریاض، مکتبه دارالمنهاج.
١٨. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر (١٣٤٦ق)، اصول الدین، استانبول، دارالفنون.

۱۹. جعفریان، رسول (۱۳۷۲)، مناسبات فرهنگی شیعه و معتزله، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۰. جوینی، عبدالملک بن عبدالله (۱۳۶۹ق)، الارشاد الی قواطع الادلة فی اصول الاعتقاد، تحقیق محمد یوسف موسی، مصر، مکتبه الخانجی.
۲۱. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ق)، خلاصة الاقوال، تحقیق جواد قیومی، قم، فقاها.
۲۲. خانجانی، قاسم (۱۳۹۲)، شیخ مفید و تاریخ‌نگاری اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۳. خلال، احمد بن هارون، (۱۴۱۵ق)، السنه، تحقیق عطیة بن عتیق بن عبدالله الزهرانی، ریاض، دارالرایه.
۲۴. شاکری، مریم (۱۳۸۶)، «تاریخ‌نگاری فقها و متکلمان شیعی در دوره آل‌بویه»، نامه تاریخ‌پژوهان، ش ۱۰.
۲۵. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، اعتقادات الامامیه، تحقیق عصام سید، بیروت، دارالمفید.
۲۶. صفری‌فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۸۶)، «شیخ مفید و تاریخ‌نگاری او در کتاب الارشاد»، شیعه‌شناسی، دوره ۵، ش ۱۸.
۲۷. _____ (۱۳۸۷)، «الارشاد و تاریخ‌نگاری زندگانی ائمه»، شیعه‌شناسی، دوره ۶، ش ۲۲.
۲۸. طوسی، ابوجعفر محمد (۱۴۱۳ق)، تهذیب الاحکام، بیروت، دارالاضواء.
۲۹. _____ (بی‌تا)، فهرست، نجف، مکتبه المرتضویه.
۳۰. فاریاب، محمد حسین (۱۳۹۵ - الف)، «نقش مقبولیت مردمی در آموزه لزوم افضلیت امام»، آینه معرفت، ش ۴۸.
۳۱. _____ (۱۳۹۵ - ب)، «معناشناسی و گستره افضلیت امام در اندیشه متکلمان»، معرفت، ش ۲۲۵.
۳۲. فراء، ابویعلی محمد بن حسین (بی‌تا)، المعتمد فی اصول الدین، بیروت، دارالشرق.
۳۳. قاضی عبدالجبار (بی‌تا)، تثبیت دلائل النبوه، قاهره، دارالمصطفی.
۳۴. _____ (۱۹۶۲-۱۹۶۵م)، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، تحقیق جورج فنوانی، قاهره، دارالمصریه.
۳۵. مفید، محمد بن محمد (۱۳۶۲)، مجالس در مناظرات، ترجمه آقاجمال محقق خوانساری، تهران، طراوت.

۳۶. _____ (۱۴۱۳ - الف)، الافصاح فی الامامه، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۷. _____ (۱۴۱۳ - ب)، التفضیل امیر المؤمنین علیه السلام، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۸. _____ (۱۴۱۳ - پ)، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۹. _____ (۱۴۱۳ - ت)، الفصول المختاره، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۰. _____ (۱۴۱۳ - ث)، المسائل الجارودیه، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۱. _____ (۱۴۱۳ - ج)، اوائل المقالات، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۲. _____ (۱۳۶۴)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تهران، اسلامیه.
۴۳. مقدسی، ابو عبدالله (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان.
۴۴. مکدر موت، مارتین (۱۳۷۲)، اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، تهران، دانشگاه تهران.
۴۵. ناشی اکبر (۱۳۸۶)، مسائل الامامه، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب.
۴۶. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، رجال، قم، جامعه مدرسین.
۴۷. نجف زاده، علی رضا (۱۳۸۹)، «افضلیت امام از دیدگاه فرق کلامی»، فلسفه و کلام، ش ۸۴.
۴۸. نجمی، محمدصادق (۱۳۹۶)، سیری در صحیحین، مشهد، المهدی.
۴۹. نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ق)، فرق الشیعہ، بیروت، دارالأضواء.